

## نگاهی کوتاه به منظومه‌های کودکان و کاربرد ترانه‌های عامیانه در آنها

جمال‌الدین اکرمی

در میان مجموعه کتاب‌های منتشر شده در زمینه شعر برای کودکان در سال ۷۸، به دو پدیده نزدیک به هم برمی‌خوریم؛ یکی کاربرد وسیع مثل‌ها و ترانه‌های عامیانه در شعر شاعران به طور عام و دیگری راه‌یابی چهار منظومه قدیمی احمد شاملو به نام‌های پریا، دخترای ننه دریا، قصه مردی که لب نداشت و بارون (چاپ دوم) به حوزه‌ی ادبیات کودکان و نوجوانان به طور خاص. در اینجا به تاریخچه کوتاهی از ترانه‌های عامیانه در منظومه‌ها و نیز ویژگی منظومه‌ها در ادبیات شعری کودکان و نوجوانان سرزمین ما اشاره می‌شود.

ترانه‌های عامیانه، کهن‌ترین گونه تلفیق شعر و موسیقی است. حضور هماهنگ شعر، ریتم و باورهای مردم، تنها در ترانه‌های عامیانه امکان‌پذیر است که عمدتاً به صورت لالایی‌ها و شعرهای مربوط به مراسم شکار، رزم، مرثیه، جشن‌ها و سنت‌های بومی فرهنگ مستقلی را پدید می‌آورد.

محمد تقی بهار تعلق واژه «ترانه» را که از واژه‌های «ترنگ» و «ترانک» ریشه گرفته، به دوران ساسانیان مربوط می‌داند، به زمانی که ادبیات عمدتاً به دو گونه «ادبیات شهری» و «ادبیات روستایی» تقسیم می‌شود. او ترانه‌ها را نوعی شعر همراه با موسیقی می‌داند که از نظر سادگی در موسیقی و کلام، سبکی وزن و غیرمشخص بودن زمان و فرد ابداع‌کننده آن، ویژگی خاص خود را داراست.

در این دوره، در حوزه ادبیات شهری با «سرودهای خسروانی» روبه‌رو می‌شویم که توسط شاعران موسیقی‌دانی چون بارید و نکیسا، سروده شده است. ترانه‌های این دوره به «پهلویات» یا «فهلویات» شهرت یافته که به صورت رباعی بوده و خواندن آن با موسیقی انجام می‌شود. این ترانه‌ها عمدتاً به دربار تعلق داشته و از طیف عامیانه بودن به دور افتاده است. در این دوره، آثار ثبت شده‌ای از ترانه‌های روستایی، در دست نیست. تلفیق ویژگی‌های شعر دربی در زمینه حضور وزن و ردیف با ویژگی شعر عرب در زمینه حضور وزن و تقطیع منظم، سبب شد تا شعر پارسی به اوج غنای زبان‌شناسانه خود دست یابد، اگر چه از محتوای اولیه

خود دور شده بود. همین تأثیر در ادبیات روستایی نیز راه می‌یابد. وجود سیلابهای کوتاه، وزن، قافیه و توقف‌های آوایی در شعر، سبب شد همراهی مردم کوچه و بازار با آن، به سادگی صورت پذیرد و کودکان نیز از ضرباهنگ‌های بازی گونه آن لذت ببرند. کهن‌ترین ترانه‌های روستایی ثبت شده، به همین دوران تعلق دارد. در این ترانه‌ها که عمدتاً با هجو همراه بوده است، کودکان نیز پا به پای بزرگسالان در هم‌خوانی و انتقال سینه به سینه آن نقش خود را به عهده می‌گیرند. نخستین این ترانه‌ها، هجویه‌ای است که مردم درباره شکست امیر عرب عبدالله قری سروده‌اند.<sup>۱</sup> ترانه دیگری در دست است که این مفرغ در مذمت عبدالله زیاد سروده و در حوزه فرهنگ عوام راه یافته است.<sup>۲</sup>

ویژگی این ترانه‌ها، عمدتاً همان حضور لحن محاوره، موسیقی تند و هجاهای کوتاه است که با به کارگیری قافیه و درنگ‌های واجی - آوایی استحکام می‌یابد.

از قدمت ترانه‌ها که بگذریم، مردم هر منطقه در هر زمانی برای برگزاری مراسم مربوط به جشن، سوگواری، جنگ، هزل و نیز بیان حس‌های عاشقانه، عارفانه و کودکانه، به ترانه‌ها روی آورده‌اند، چنان که بسیاری از این ترانه‌ها، سینه به سینه نقل می‌شود و نزد اقوام گوناگون با شبیه‌سازی‌های نزدیک به هم، تکرار شده است.

از سوی دیگر تأثیر ادبیات شهری، که برجسته‌ترین آن‌ها را در آثار شاعران بزرگی چون فردوسی، سعدی، نظامی، حافظ و عبید زاکانی می‌توان دید، در ادبیات روستایی، سبب شد تا حضور شعر در اشکال متفاوت نقالی، تصنیف و ترانه‌های عاشقانه، رزمی و عرفانی ابعاد تازه‌ای به خود بگیرد و از فرهنگ غنی تری برخوردار شود. خوشایندی عناصر موسیقایی، قافیه‌پردازی و پیرنگ داستانی در این اشعار، سبب شد تا حتی افسانه‌ها و باورهای روستایی مردم نیز به صورت ادبیات نیمه منظوم درآید. کودکان در مکتب‌خانه‌ها، به فرا گرفتن بخش‌هایی از این اشعار که به ادبیات عامیانه نزدیک‌تر بود روی آوردند و حیطه ادبیات شفاهی کودکان، به غنای تازه‌ای دست یافت. تعلق خاطر مردم و به ویژه کودکان به

داستان‌های منظومی چون «رستم و سهراب»، «شیرین و فرهاد» و «موش و گربه» سبب شد تا فاصله میان ادبیات شهری و روستایی، به حداقل برسد.

در این دوره منظومه‌ها را در قالب‌های ترانه و ادبیات شفاهی می‌توان به گونه‌های زیر طبقه‌بندی کرد:

الف: لالایی‌ها ب: ترانه‌های محلی ج: افسانه‌های نیمه منظوم د: شعرهای منظوم کلاسیک گسترش ترانه‌ها در تلفیق شکل‌های دوگانه ادبیات

شهری و ادبیات روستایی، چنان بود که گاه نقل سینه به سینه آنها سبب سرایش‌های متنوع و چندگانه از یک اثر، در مناطق گوناگون گردید. در این میان تلاش

موسیقیدانان برجسته‌ای چون موسی معروفی و کلنل علی نقی وزیری، در جمع‌آوری و نوشتن اشعار کودکان<sup>۳</sup>

و نیز ثبت موسیقی اشعار ابعاد تازه‌ای به ترانه‌ها بخشید، تا جایی که واژه ترانه، تداعی‌کننده تصنیف‌ها و آوازهایی

شده است که امروزه هم در شکل دیگری در میان مردم پذیرفته شده و زیر لب زمزمه می‌شود. تلاش پژوهشگرانی چون ژوکوفسکی<sup>۴</sup> و کریستین سن، در گردآوری ترانه‌های عامیانه و نیز تحقیق و بازسازی آن

اشعار توسط محمدتقی بهار، عارف قزوینی و حسین گل‌گلاب ابعاد تازه‌ای به حضور ترانه‌ها در فرهنگ عامیانه بخشید. بعدها در اشعار شاعران و اندیشمندیانی چون:

صادق هدایت، ایرج میرزا، میرزاده عشقی، رهی معیری، پروین اعتصامی، عباس یمینی شریف و حتی نیما یوشیج گرایش به ارائه اشعاری در قالب ترانه‌ها و منظومه‌ها به

چشم می‌خورد. هجویات صادق هدایت، ترانه‌های ملی - میهنی عارف قزوینی و میرزاده عشقی، مناظره‌های پروین اعتصامی و منظومه‌های شکوایی «افسانه» نیما،

تعلق خاطر آنان را به کاربرد ادبیات عامیانه در اشعار کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد. هر چند منظور اصلی آنان سرودن شعر برای کودکان یا نوجوانان نبوده باشد.

در این دوره به تکرار گسترده مضامینی چون: لیسون و ولسون، یکی بود - یکی نبود، مثل، خورشید خانم آفتوکن، آفتاب مهتاب چه رنگه؟ کلاغه میگه قارقار<sup>۵</sup> و غیره برمی‌خوریم که در بازیها و بازخوانی‌های شعری

توسط کودکان، جایگاه خاصی دارد. در همین دوره منظومه «علی مردان خان» ایرج میرزا را شاید بتوان نخستین

منظومه برجسته ادبی برای کودکان دانست که با کاربرد واژه‌های کودکانه و حضور شخصیت کودک در سیر داستانی آن، ویژگی خاصی یافته؛ هر چند در آن دوران به صورت کتابی مستقل برای کودکان منتشر نشد و بیشتر همان شکل روایی و مکتب‌خانه‌ای خود را حفظ کرد.

بعدها با تلاش‌های سی و پنج ساله افراد برجسته‌ای چون انجوی شیرازی و مهدی آذریندی در «رادیوی ملی ایران» امکاناتی فراهم آمد تا تنظیم و ثبت ترانه‌های عامیانه و مثل‌ها و گردآوری نقل‌های گوناگون آن، ابعاد تازه‌تری به خود بگیرد. تلاش‌هایی که به گونه‌ای دیگر توسط افرادی چون صمد بهرنگی و جبار باغچه‌بان، در عرصه ادبیات شفاهی، افسانه‌ها و مفاهیم آموزشی به شکل کتاب، دنبال شد. مجموعه این تلاش‌ها را باید ادامه فعالیت‌های پیگیر موسی معروفی و علی‌نقی وزیری، در پرداخت جدی به ترانه‌ها و نقل‌های گوناگون آن در نظر گرفت.

حضور انتزاع در منظومه «علی کوچیکه» ی فروغ

فرخزاد و منظومه‌های «پریا»، «دخترای نهدریا»، «قصه مردی که لب نداشت» و «بارون» احمد شاملو در دهه سی و چهل، به گسترش مضامین و تمایز تازه‌ای در ادبیات کودکان و نوجوانان انجامید که از پرداخت محض به آهنگ، قالب و پیرنگ داستانی منظومه، فراتر رفت و به عناصری چون ایماژ و تخیل و نگرش اجتماعی - انتقادی در منظومه وسعت تازه‌ای بخشید. عناصری که سبب شد تا مدت‌ها تعلق این آثار به حیطه ادبیات کودکان و نوجوانان به تعویق بیفتد و یا آن را با شک و تردید دچار سازد. اما به تدریج، با حضور عناصر انتزاعی و نیمه انتزاعی در افسانه‌ها، داستان‌ها و حتی تصویرگری کتاب‌های کودکان و نوجوانان، استمرار چنین تردیدی غیر اصولی به نظر می‌رسد.

در کنار تلاش‌های رادیوی ملی ایران، حضور محوره‌های نوظهور و دوگانه «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» در تدوین منظومه‌ها و «شورای کتاب کودک»، در کالبد شکافی و تعیین ملاک‌های ارزش‌یابی

برای شعرهای کودک، سبب شد تا طیف تازه‌ای از نویسندگان و شاعران، به شعر کودک و نیز منظومه‌سرایی روی آورند. کانون پرورش فکری در سال دوم برپایی خود، با چاپ منظومه‌های «گل اومد، بهار اومد» سروده منوچهر نیستانی و «طوقی» سروده م. آزاد در سال ۱۳۳۷، نخستین تلاش سنجیده و کودک‌گرایانه خود را در زمینه پرداخت جدی به منظومه‌ها، به ثبت رساند. با چاپ منظومه حماسی «آرش کمانگیر» سروده سیاوش کسری در سال ۱۳۵۰ و منظومه «افسانه» نیما در سال ۱۳۵۵، توسط کانون پرورش فکری، منظومه‌ها به حیطه ادبیات به یادماندنی نوجوانان نیز راه یافتند. گامی که می‌توانست در جهت ثبت ملاک‌های ارزش‌یابی اولیه منظومه‌ها و پرداخت جدی به آن عمل کند. دریغ که این تلاش‌ها با موج گرایش به سهل‌نگاری در حوزه منظومه‌ها که در دو دهه پس از آن صورت گرفت، راه نیمه گشوده شد و به کلی بسته ماند و بیراهه دیگری در پیش گرفته شد.

به موازات تلاش‌های کانون پرورش فکری تلاش‌های پراکنده دیگری نیز در زمینه چاپ منظومه‌ها صورت گرفت که چاپ آثار جعفر تجارتچی با عناوین «دویدم و دویدم»، «یکی بود - یکی نبود» و «موش دم بریده» برجسته‌ترین آن‌ها به شمار می‌رفت. گرچه تمامی این آثار از مثل‌ها و ترانه‌های عامیانه بهره فراوانی جسته بود، اما به دلیل پرداخت نسبتاً ضعیف، در حیطه تدوین و تصویرگری، که در مقابل آثار چاپ شده از سوی کانون پرورش فکری قرار می‌گرفت، به ناچار از حوزه ادبیات به یادماندنی فاصله گرفت. این آغاز ناهنجار متأسفانه جاده پر رفت و آمدی شد که پس از انقلاب، به ایجاد چالش‌های جدی و پر مخاطره در زمینه ادبیات کودکان انجامید و خیل عظیمی از شاعران تازه‌کار و حتی خوش نام ادبیات کودکان را، به دنبال خود کشاند. طی دو دهه پس از انقلاب، اگر چه ادبیات شعری در حوزه کودکان گسترش چشمگیر یافت و به قله‌هایی برجسته نزدیک شد، اما این تحول متأسفانه در حوزه خلق منظومه‌ها، کاملاً عقیم ماند. شاعران نوپا و متعدد که با مضامین اجتماعی جدید و همراه با انقلاب، به خلق آثار نو و گاه به یادماندنی در زمینه شعر کودکان دست زدند، در زمینه حضور در منظومه‌ها یا کاملاً بی‌تفاوت ماندند و یا آن که به چرخشی محکوس روی آوردند. انگار آنان قراردادی ضمنی با خود یا ناشر تنظیم کرده بودند که خلاء مادی و گاه معنوی خود را در شعر، از طریق سرودن

### این بازاریابی،

دامن دیگر مثل‌ها و ترانه‌های عامیانه را نیز فرا گرفت و به خلق شخصیت‌های تکراری خاله سوسکه، حسن کچل،

عمو زنجیرباف و غیره انجامید.

بدون آن که نوآوری یا تازه‌نگری خاصی در پرداخت به آن‌ها دیده شود.

این کاراکترها گاهی نیز پیوندی مضحک و خنده‌آور،

با شخصیت‌های کارتونی وارداتی هم چون فوتبالیست‌ها،

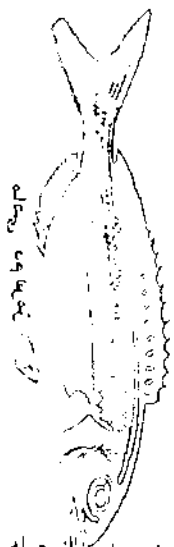
علاءالدین و خاله ریزه ایجاد می‌کرد



عینس و زینس - عینس



عینس و زینس - عینس



عینس و زینس - عینس

منظومه‌های سبک جبران کنند! بسیاری از شاعرانی که از آثار خلاق در عرصه ادبیات شعری کودکان برخوردار بودند، در عرصه منظومه‌ها، پای‌بندی‌های هنری خود را فراموش کردند و به مجموعه فراموش شدگان راه یافتند! شاعرانی که بهتر است در این مورد از آنان نامی برده نشود.

گرچه گردش به سمت ادبیات سفارشی و خوش‌باورانه، در شعر کودکان با ثانی صورت گرفت اما در حوزه منظومه‌ها، این تلاش بی‌وقفه و بی‌درنگ بود، بدون آن که از میان آن همه شاعر مستعد، بتوان از یک اثر برجسته در این مورد نام برد. این سیر قهقراپی به گونه‌ای بود که سرایش منظومه‌ها در اوج قله‌های بازارپسندی و ساده‌انگاری قرار گرفت.

در سال‌های نخست انقلاب و کمی پیش از آن، چاپ دو منظومه «چی شد که دوستم داشتن؟» و «خروس زری، پیرهن پری» ترجمه و سروده احمد شاملو بر حیطه منظومه‌ها، سایه افکند و با چاپ منظومه‌های «عمه گل‌چین» سروده هوشنگ محمدمیان و «دویدم و دویدم» سروده فرزانه فروغی، توسط کانون پرورش فکری در سال ۶۱ ادامه یافت، اما این آخرین جرقه‌های چشمگیر در محدوده منظومه‌ها بود. اگر چه تألیف منظومه‌های دیگری چون «گرگ خسته» سروده میرزا آقا عسگری و «بیر طلا» سروده اسدالله شعبانی، دورنمای گنگی از چراغ منظومه‌ها را نشان داد اما، ادامه‌ی منطقی و پراراج «طوقی» و «خروس زری، پیرهن پری» در کیفیت ارائه کتابی مناسب نبود؛ جرقه‌هایی که بعدها آن هم خاکستر شد.

حضور شاعری پرکار چون م. آزاد که کار خود را با آثار دلنشین «طوقی» و «لی‌لی لی‌لی حوضک» شروع کرده بود، پس از انقلاب به صورت نوار قصه ادامه یافت. او در این زمینه منظومه‌های «کی از همه قوی‌تره»، «بیز زنگوله‌پا»، «پیرزن گل پیرهن» و «طوقی و بازرگان» را به صورت نوار قصه، به ادبیات شفاهی کودکان راه داد، اما هیچکدام این‌ها «طوقی» نبود. او اگر چه کتاب‌های «خاله ماندگار» و «گنجشگک اشی مشی و کلاغک جازچی‌باشی» را سالها بعد به صورت کتاب منظومه منتشر ساخت اما چاپ این آثار نیز نتوانست به مجموعه فراموش شده منظومه‌ها، آبروی چندانی بخشد.

در همان نیمه راه دهه اول پس از انقلاب، ظهور پرقدرد و متنوع کتاب‌های «حسنی»، که با چاپ کتاب «حسنی نگو به دسته گل» سروده کیانوش لطیفی آغاز

شده بود، بیراهه منظومه‌ها نیز، رنگ و بوی جدی به خود گرفت. این کتاب که شعر آن ضرباهنگی دلنشین و کودک‌پسندی فراوانی دارد، به دلیل پرداخت غیرهنرمندانه در تصویرگری، تدوین و نیز ساده‌نگری در مضمون، از مسیر ادبیات به یادماندنی کودکان خارج شد، اما شاعران بسیاری را به دنبال شبیه‌سازی‌های خود کشاند، به گونه‌ای که بار دیگر حضور جدی منظومه‌های جعفر تجارتچی احساس شد، با این تفاوت که این بار بسیاری از شاعران و ناشران خوش نام ادبیات شعری کودکان را نیز در ورطه خود گرفتار ساخت. این گرایش به حدی بود که پرداخت به موضوع حسنی و شبه حسنی، به تیبی فراگیر در عرصه منظومه‌ها تبدیل شد! این بازارپایی، دامن دیگر متل‌ها و ترانه‌های عامیانه را نیز فرا گرفت و به خلق شخصیت‌های تکراری خاله سوسکه، حسن کچل، عمو زنجیرباف و غیره انجامید، بدون آن که نوآوری یا تازه‌نگری خاصی در پرداخت به آن‌ها دیده شود. این کاراکترها گاهی نیز پیوندی مضحک و خنده‌آور، با شخصیت‌های کارتون‌ی وارداتی هم‌چون فوتبالیست‌ها، علاءالدین و خاله ریزه ایجاد می‌کرد. پیوندی که تنها با جراحی‌های کامپیوتری، قابل مقایسه است! حتی متل‌هایی چون کدوی قلقله‌زن، کک به تنور، شنگول و منگول و روباه دم بریده نیز نتوانستند از تیغ این مونتازهای تصویری، خلاصی یابند.

با نیم‌نگاهی کوتاه به وضعیت کتابهای سوپرمارکتی، می‌توان به شیوه تدوین و تصویرگری در این کتاب‌ها که با معیارهای ساده‌نگری در متن و تصویر همراه است، پی برد. این تأثیرگذاری چندان شگرف است که در همه ابعاد ادبیات کودکان و نوجوانان، کفه ارائه کیفی کتاب‌ها به سوی آن درغلطیده و کمتر شاعر یا نویسنده کودک و نوجوانی را می‌توان یافت که فاقد حداقل یک نمونه اثر در این شیوه ارائه باشد. مجموعه‌ای که عاری از عناصر خلاق در حوزه ادبیات، به یادماندنی است. عناصری چون ایماژ، تخیل، تأویل، خلق واژگان جدید، زیبایی در کاربرد زمان، آشنایی‌زدایی و بهره‌جویی از فرهنگ عامیانه در ابعاد کلی آن و دیگر تحولاتی که در عرصه زبان‌شناسی می‌توان از آن‌ها بهره جست.

راه‌یابی به چنین ورطه‌ای چندان دور از تعجب نیست، چرا که در حیطه کتاب‌های درسی نیز کودکان از تداوم جنایات در تصویر و متن خلاق، بازمانده‌اند. در این میان، کوتاهی ناشران بزرگی چون کانون پرورش فکری که زمانی خود آغازکننده خلاقیت در متن و تصویر کتاب‌ها،

از جمله منظومه‌ها بود، امری است که نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و این در حالی است که منظومه‌ها به دلیل امکان بهره‌وری از فرهنگ وسیع عامیانه، از ظرفیت خاصی در غنا بخشیدن به ادبیات کودکان برخوردار است. امید است خیل عظیم شاعرانی که از این گنجینه پایان‌ناپذیر ملی، بی‌دریغ بهره جسته‌اند و وام سنگینی اخذ کرده‌اند، در صدد برآیند با خلق آثاری غنی و پربرار، گوشه‌ای از این دین بزرگ خود را ادا کنند.

منابع:

- پیوند موسیقی و شعر / حسین علی ملاح / نشر فضا / سال ۱۳۶۷
- موسیقی شعر / محمدرضا شفیعی کدکنی / انتشارات توس / ۱۳۵۸
- سفر در مه / دکتر تقی پورنامداریان / نشر زمستان / ۱۳۳۴
- گزارش سال ۷۷ و ۷۸ شورای کتاب کودک، گروه شعر
- مجموعه کتاب‌های ناشو (آکوردنوشی) انتشارات خانه ادبیات / سال ۷۸، ۷۹
- مجموعه‌ای از منظومه‌های منتشر شده.

پاورقی:

۱. یک نمونه از این اشعار چنین است: قیصر ماه [را] ماند و خاقان خورشید [را] آن من، خدای ابر [را] ماند کامفاران کی هد ماه پوشد کی هد خورشید
۲. از ختلان آمدیه / برو تباہ آمدیه / آوار باز آمدیه / بیدل فراز آمدیه. (به سال ۱۰۸ هجری)
۳. آب است و نیبداست / عصارت زیب است / سُمیه روشید است.
۴. نمونه این اشعار چنین است: هرگز نباشد بهتر / کسی در جهان از مادر مهری هرگز نگردد / با مهر او برابر ...
۵. نمونه، این قرآنه‌ها چنین است: امروز دو روزه - به خدا - فردا سه روزه یارم نه پینا - به خدا دلم می‌سوزه نصر و نصر و جان - جاجان - ای نصر جان
۶. نمونه این شعرها چنین است: - السون و ولسون / پایا رو به ما برسون - خورشید خاتوم آفتوکن / به مشت نخود به اوکن / ما بچه‌های کردیم / از گشگی بردیم
- آفتاب مهتاب چه رنگه؟ / سرخ و سفید دو رنگه
- کلاغه میگه من غارو غار می‌کنم برات / آقا رو بیدار می‌کنم برات
- اتل مثل توتوله، گاو حسن چه جوهره....
- یکی بود - یکی نبود / زیر گنبد کبود / پیرزنه نشسته بود / اسبه عساری می‌کرد / اسگه قصلی می‌کرد / خره خراطی می‌کرد / موشه ماموره می‌کرد....